

## تحلیل نقش امام خمینی علیه السلام در تحقق استعلای گفتمان اسلام‌گرایی در جریان انقلاب اسلامی ایران<sup>۱</sup>

\* مسعود اخوان کاظمی

\*\* سید شمس‌الدین صادقی

\*\*\* رضا دهقانی

### چکیده

پیروزی انقلاب اسلامی ایران و نقش امام خمینی علیه السلام در رهبری این انقلاب و راهبری مبارزات انقلابیون در میدان حضور گفتمان‌های مختلف و چیرگی آن در میان سایر گفتمان‌های موجود در ایران، این سؤال را مطرح می‌سازد که چگونه رهبری انقلاب توانست گفتمان اسلام‌گرا را در تقابل با گفتمان حاکم و در رقابت با گفتمان‌های رقیب موجود، به یگانه گفتمان هژمون تبدیل کند؟ پژوهش حاضر در پاسخ به این سؤال اساسی، از رهگذر چارچوب نظری تحلیل گفتمانی لاکلا و موف، این مدعا را به اثبات می‌رساند که گفتمان اسلام‌گرا با اتکاء به عاملان سیاسی قدرتمند خود، به‌ویژه رهبری امام خمینی علیه السلام و قابلیت‌های ویژه وی، توانست به گفتمانی هژمونیک تبدیل شده و پیروزی انقلابی با ماهیتی اسلامی را رقم بزند.

### واژگان کلیدی

تحلیل گفتمان، گفتمان اسلام‌گرا، رهبری انقلاب، امام خمینی علیه السلام، هژمونی گفتمانی.

۱. مقاله مستخرج از پایان‌نامه مقطع کارشناسی ارشد.

\* عضو هیئت علمی گروه علوم سیاسی دانشگاه رازی.

\*\* استادیار گروه علوم سیاسی دانشگاه رازی.

\*\*\* کارشناس ارشد علوم سیاسی.

تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۱/۱۹

mak392@yahoo.com

sadeghi118@yahoo.com

reza.dehghani@live.com

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۶/۲۲

## مقدمه

اصولاً وقوع انقلاب در هر کشور، که به وقوع تحولاتی اساسی و زیربنایی در ارزش‌ها، نهادها و چهارچوب‌های حاکم بر یک جامعه منجر می‌شود، خواه ناخواه از عوامل تحول‌گفتمانی، تأثیری اساسی می‌پذیرد. تحلیل نقش رهبران انقلابی در فرایند پیروزی انقلاب‌های سیاسی و اجتماعی، موضوع مطالعات گسترده‌ای را در حوزه مباحث مربوط به انقلاب به خود اختصاص داده است. در مورد انقلاب اسلامی ایران نیز بررسی و تحلیل نقش و جایگاه رهبری امام خمینی علیه السلام در پیروزی این پدیده، در مقالات و کتب متعددی مورد ارزیابی قرار گرفته است. با این وجود، علاوه بر اینکه غالب این مطالعات، در حوزه بررسی‌های تاریخی محدود شده و عملاً تاریخ‌نگاری را جایگزین تحلیل‌های عینی و پژوهش‌های علمی نموده‌اند، در عین حال از مبانی تئوریک و چارچوب نظری متقنی پیروی نکرده‌اند و لذا همچنان این ضرورت وجود دارد تا از منظری علمی، به تبیین نقش و چگونگی رهبری امام خمینی علیه السلام در جریان انقلاب اسلامی ایران پرداخته شود.

## الف) اهداف پژوهش

هدف اساسی این پژوهش، تشریح و تبیین نقش و جایگاه رهبری امام خمینی علیه السلام در فرایند شکل‌گیری و پیروزی انقلاب اسلامی ایران در قالب روش تحلیل گفتمان است. در واقع، بررسی چرایی و چگونگی تأثیر رهبری امام خمینی علیه السلام در هژمونیک شدن گفتمان اسلام‌گرا در جریان انقلاب مذکور، و به‌ویژه در تقابل با گفتمان حاکم و گفتمان‌های رقیب، هدف اصلی مورد نظر این مقاله را شکل می‌دهد. در کنار این هدف محوری، بازخوانی و تبیین نقش رهبران، به‌عنوان سوژه‌های سیاسی در تحقق و شکل‌گیری گفتمان‌ها، از منظر لاکلا و موف، که در تأملات خود در بحث از رابطه کارگزار - ساختار سعی نموده‌اند نقش‌های کارگزاران اجتماعی را نیز مورد توجه قرار دهند، نیز مورد توجه این پژوهش قرار می‌گیرد. از این‌رو برای نشان دادن نقش‌هایی که کارگزاران<sup>۱</sup> و سوژه‌های اجتماعی<sup>۲</sup> می‌توانند در تحولات گفتمانی ایفا نمایند، به توضیح نقش کارگزاران در هنگام بی‌قراری گفتمان‌ها پرداخته خواهد شد. بر مبنای این دیدگاه، در هنگام بی‌قراری یک گفتمان، رهبران نقشی اساسی در معرفی گفتمان بدیل<sup>۳</sup> و جایگزین‌سازی آن به‌جای گفتمان در حال افول ایفا می‌کنند.

## ب) چارچوب نظری

این پژوهش در بررسی خود در زمینه تبیین نقش امام خمینی علیه السلام در استعلای<sup>۴</sup> گفتمان اسلام‌گرایی در جریان انقلاب اسلامی ایران، از نظریه گفتمان با خوانش لاکلا و موف بهره می‌گیرد. به‌نظر می‌رسد که تحلیل گفتمان

- 
1. Agencies.
  2. Social Subjects.
  3. Alternative Discourse.
  4. Hegemony.

به‌عنوان رویکردی انتقادی، نسبت به سایر رهیافت‌ها، از تأثیر کارآمدتری برای توضیح منازعات گفتمانی و نقش سوژه‌گی سیاسی<sup>۱</sup> رهبران در پیدایش و عینیت‌یابی گفتمان‌ها و چرایی هژمونیک شدن گفتمان‌ها برخوردار است.

### ج) نظریه گفتمان

گسترش گرایش به استفاده از نظریه گفتمان در علوم انسانی و کاربست آن در تحلیل پدیده‌های اجتماعی، تا حد زیادی به نارضایتی فزاینده از حاکمیت جریان اصلی رهیافت‌های پوزیتیویستی در علوم اجتماعی و ضرورت تضعیف سیطره آنها بر رشته‌هایی چون علم سیاست و جامعه‌شناسی برمی‌گردد. همچنین کاربرد فزاینده آن را می‌توان محصول تأثیر دیرهنگام «چرخش زبانی» بر علوم اجتماعی و متعاقب آن، رشد رهیافت‌های هرمنوتیک، نظریه انتقادی و پساساختارگرایی نیز تلقی نمود. با توجه به‌گونه‌شناسی متفاوت الگوهای تحلیل گفتمانی در میان اندیشمندان غربی، استفاده از الگوی لاکلا و موف تناسب بیشتری با مباحث اندیشه سیاسی دارد و چهارچوب تحلیلی مناسبی برای بررسی تحولات نظری هر جامعه در اختیار قرار می‌دهد. (میرموسوی، ۱۳۸۴: ۶۸) قابلیت تبیین ساختار درونی در یک اندیشه، توضیح چگونگی معنایابی مفاهیم در درون ساختار یک اندیشه، جذب مفاهیم جدید در یک گفتمان، رقابت و غیریت‌سازی بین گفتمان‌ها در شرایط سیاسی - اجتماعی جامعه، تبیین نقش رهبران در تحقق و شکل‌گیری گفتمان‌های مسلط و غلبه گفتمان‌های جدید، از مزایای بکارگیری این الگوست.

اهمیت و تناسب تحلیل گفتمانی لاکلا و موف نسبت به دیگر نظریه‌های گفتمان با مطالعات سیاسی، نگاه کلان این نظریه به ساختار نظام‌مند یک نظریه سیاسی در فرایند روابط هژمونیک اجتماعی می‌باشد. آنها با استخدام مفاهیمی چون مفصل‌بندی<sup>۲</sup> و چگونگی جذب و دفع مفاهیم در یک گفتمان و تحولات گفتمان‌ها از طریق بی‌قراری‌های ایجاد شده در آنها، بخوبی نشان می‌دهند که عناصر فکری یک اندیشه در قالب یک گفتمان چگونه صورت می‌یابند و تحول آنها در تقابل با دیگر گفتمان‌ها چگونه می‌باشد. همچنین آنها با تأکید بر کلیت یک گفتمان می‌توانند دیدگاه‌های آن را درباره مسائل مختلف بازسازی نمایند. بدین ترتیب، می‌توان قابلیت‌های زیر را برای تحلیل گفتمانی با الهام از مباحث لاکلا و موف برشمرد:

۱. قابلیت تبیین ساختار درونی یک اندیشه.

۲. قابلیت توضیح چگونگی معنایابی مفاهیم در درون ساختار یک اندیشه.

۳. توضیح چگونگی جذب مفاهیم جدید در یک گفتمان و تغییر و تطبیق آنها در مفصل‌بندی جدید.

۴. توضیح رقابت و غیریت‌سازی<sup>۳</sup> بین گفتمان‌ها در وضعیت سیاسی - اجتماعی جامعه.

---

1. Political Subjectivity.  
2. Articulation.  
3. Antagonism.

۵. تبیین نقش رهبران به‌عنوان سوژه‌های سیاسی در تحقق و شکل‌گیری گفتمان‌ها.
۶. توضیح تحول اجتماعی گفتمان‌ها و فرایند افول گفتمان‌های مسلط و شرایط غلبه گفتمان‌های جدید.

### رهبری امام خمینی علیه‌السلام و استعلای گفتمان اسلام‌گرا

توجه به نقش محوری رهبران سیاسی در شکل‌گیری دگرگونی‌های سیاسی و اجتماعی و تأثیر آنها در تحولات گفتمانی، به‌ویژه در هنگام بی‌قراری گفتمان‌ها، می‌تواند به تبیین جایگاه این کارگزاران و سوژه‌های سیاسی در معرفی گفتمان‌های بدیل و جایگزین‌سازی آنها به‌جای گفتمان در حال افول، کمک کند.

ایران از زمان پایه‌گذاری دولت مدرن در دوره رضا شاه تا انقلاب اسلامی، شاهد ظهور جامعه‌ای توده‌ای بود. رضا شاه با تحولات در نظام آموزشی، اداری، مالی و نظامی، محتوا و شکل زندگی جامعه در روابط اجتماعی را تغییر داد و دولت مدرن را شکل داد؛ ولی جامعه همچنان فاقد نهادهای دموکراتیک بود. (ازغندی، ۱۳۸۵: ۱۱۵)

فقدان نهادهای مدنی و به‌ویژه احزاب سیاسی، پایین بودن سطح سواد و آگاهی‌های عمومی، گسترش شهرها از دهه ۲۰ به بعد، مهاجرت به شهرها، و افزایش جمعیت، از زمینه‌های شکل‌گیری جامعه‌ای توده‌ای در ایران بود. فرایند توده‌ای شدن جامعه، در زمان حکومت پهلوی دوم و با اجرای انقلاب سفید به اوج خود رسید. در چنین هنگامی جامعه در عطش حضور یک رهبر فرهمند و یک ایدئولوژی هویت‌بخش است تا انسان‌ها را هویت بخشد و به همین لحاظ، بسیاری از گروه‌ها و جریان‌های سیاسی و اجتماعی طی دهه‌های بیست و سی و چهل شمسی تلاش‌های زیادی در جامعه ایران به‌عمل آوردند تا ضمن مطرح نمودن جایگاه و نقش پیش‌تاز خود و ارائه الگوهای بدیل برای گفتمان پهلویسم، عناصر گفتمانی خویش را هژمونیک نموده و رهبری تحولات اجتماعی را در اختیار خود بگیرند.

عمده تلاش‌های مذکور بخاطر وجود ضعف‌های اساسی در مبانی فکری و عقیدتی این گروه‌ها و جریانات و ایرادات مهمی که در برنامه‌ها، راهبردها و عملکردهای آنها وجود داشت، با شکست مواجه شدند و تنها گفتمان اسلام‌گرا بود که توانست توده‌های سرگردان را بسیج کرده و با بازتعریف عناصر اسلام انقلابی، به آنها هویتی جدید داده و زندگی آنان را معنا بخشد. امام خمینی علیه‌السلام، رهبر بلامنازع گفتمان اسلام‌گرا، در انتقال مبانی این گفتمان، ابتدا در میان روحانیون و حوزه‌ها و سپس در بطن جامعه نقش مهمی را ایفا نمود. دیدگاه‌ها و نظریات امام که شامل انتقاد از وضع موجود و ارائه الگوی جایگزین برای ایجاد جامعه ایدئال و سازش‌ناپذیری در برابر حکومت بود، زمینه را برای پذیرش گفتمان اسلام‌گرا در بین جامعه ایران فراهم آورد. امام با تأکید بر ناعادلانه بودن نظام اقتصادی و تضادهای موجود فرهنگی در جامعه که هویت ملی را تهدید می‌کرد، موفق به بسیج توده‌های گرفتار در بحران هویت شد. (فوزی، ۱۳۸۰: ۴۶)

### الف) نقش و جایگاه رهبری در استعلائی گفتمان اسلام‌گرا

در نظریه گفتمان، از اصطلاح عاملان سیاسی استفاده شده است. منظور از عاملان سیاسی،<sup>۱</sup> آن دسته از افراد و جریان‌هایی هستند که نقش راهبردی در پیش‌برندگی یک گفتمان دارند و یکی از عوامل موفقیت و یا شکست یک گفتمان محسوب می‌شوند. هرچه این عاملان دارای انسجام و اتحاد بیشتری باشند، درصد موفقیت آنها نیز افزایش می‌یابد و بالعکس هرچه این انسجام و وحدت کمتر باشد، درصد موفقیت کاهش می‌یابد. گفتمان اسلام‌گرا به دلیل دارا بودن انسجام در میان عاملان سیاسی خود، توانست یکی از شروط مورد نیاز چیرگی را کسب نماید. امام خمینی علیه السلام به‌عنوان رهبر این گفتمان، با بسیج نیروها و امکانات و با عملکرد ماهرانه خود در فرایند استعلا بخشیدن به عناصر گفتمان اسلام‌گرایی، توانست تبعیت اکثر روحانیون و جریان‌های سیاسی - مذهبی از خود و حمایت آنها را کسب نموده و نقشی محوری را در این زمینه ایفا نماید.

#### یک. رهبری

رهبری از مؤلفه‌های مهم در پیشبرد هر کنش دسته‌جمعی و به‌خصوص انقلاب‌ها محسوب می‌شود. رهبری در کنار دو عامل ایدئولوژی و سازمان، می‌تواند با بسیج مردمی، رژیم حاکم را با چالش‌هایی جدی مواجه سازد. نارضایتی اجتماعی زمانی می‌تواند به هدف خود در قلمرو تحقق یک انقلاب دست یابد که رهبری آن را هدایت کند؛ و گرنه این نارضایتی در نهایت به یک شورش اجتماعی منجر خواهد شد. (بشیریه، ۱۳۸۷: ۸۸)

حضور امام خمینی علیه السلام به‌عنوان یک رهبر انقلابی فرهمند و بسیج‌گر، از نقاط قوت در جریان انقلاب اسلامی بود که تا پیش از آن در دیگر جنبش‌های سیاسی اجتماعی جامعه ایران معاصر، سابقه نداشت. اکثر این حرکت‌ها در مبارزات خود، به دلیل فقدان رهبری واحد و مقتدر، با چالش‌هایی جدی روبه‌رو بودند. جنبش مشروطه و نهضت ملی کردن صنعت نفت، بهترین نمونه‌هایی هستند که فقدان یک رهبریت واحد و مورد توافق و اجماع عمومی در آنها، به مثابه نقصی اساسی محسوب می‌شد. تقسیم شدن روحانیون به دو دسته مشروطه‌خواه و مشروطه‌خواه در نهضت مشروطه و جدایی دکتر مصدق و آیت‌الله کاشانی پس از ملی کردن صنعت نفت، نشان‌دهنده ضعف رهبری در این جریان‌ها است.

طی دهه‌های سی و چهل شمسی نیز گفتمان‌های رقیب گفتمان اسلام‌گرا، از مشکل فقدان رهبری رنج می‌بردند. گفتمان ملی - لیبرال تنها در دوران مصدق و جریان ملی کردن صنعت نفت توانست به موفقیت‌هایی دست یابد و پس از آن هرگز موفق به تکرار آن نشد. جریان‌های گفتمان چپ نیز از آنجا که درگیر مباحث ایدئولوژیکی بودند و بر سر هر اختلافی انشعاب کرده و سازمان جدیدی را بنا می‌نهادند، خود را مقید به قرار گرفتن تحت یک رهبری واحد نمی‌دانستند و همواره با بحران رهبری مواجه بودند. در این میان، جریان‌های گفتمان اسلام‌گرا به دلیل تبعیت کامل از امام خمینی علیه السلام، از انسجام و هماهنگی بیشتری نسبت به

1. Political Subjects.

سایر گروه‌ها برخوردار بودند و به همین دلیل در مواجهه با بحران‌ها و در جریان مبارزه علیه گفتمان حاکم، از آسیب‌پذیری کمتری برخوردار می‌شدند.

امتیاز دیگر رهبری گفتمان اسلام‌گرا نسبت به سایر گفتمان‌های رقیب، در این نکته تجلی پیدا می‌کند که رهبری این گفتمان ضمن بهره‌مندی از صداقت در گفتار، از سابقه تاریخی مثبتی در ذهن پیروان خود برخوردار بود و عدم خیانت در گذشته، تصویری مثبت را از وی در خاطره تاریخی ایرانیان ثبت نموده بود. این در حالی بود که رهبران برخی از گروه‌ها یا جریان‌ها دیگر نظیر حزب توده، در نزد مردم ایران از سابقه مثبتی در زمینه خدمت به ملت و کشور و یا صداقت در گفتار بهره‌مند نبودند.

#### دو. شبکه روحانیت

گفتمان اسلام‌گرا در دوران مبارزات خود علیه حکومت پهلوی، از وجود روحانیون و جریان‌های مذهبی - سیاسی به‌عنوان عوامل سیاسی بهره می‌گرفت که هر یک از آنها در فرایند هژمونیک شدن گفتمان اسلام‌گرا تحت رهبری امام، نقش بسزایی داشتند.

گرچه رهبری انقلاب بر حسب ظاهر فاقد یک حزب و تشکیلات منسجم بود، اما در عمل و در سطح کشور، شبکه‌ای از روحانیون طرفدار امام همچون سازمانی نیرومند و متشکل قادر شدند تا چرخ انقلاب را به حرکت درآورند. (زیباکلام، ۱۳۸۸: ۲۸۸)

گفتمان اسلام‌گرا هرچند پیش از انقلاب از سازمان و تشکیلات رسمی مانند سایر گروه‌ها و احزاب برخوردار نبود، اما از یک زنجیره گروهی متشکل از روحانیون بهره می‌گرفت که همین زنجیره پس از انقلاب دارای کارویژه‌های خاص گردید. روحانیون که در زمان پهلوی به سه گروه محافظه‌کار، مخالف میانه‌رو و مخالف تندرو تقسیم شده بودند، در آستانه انقلاب در کنار یکدیگر قرار گرفتند و سرنگونی حکومت را خواستار شدند. انقلاب سفید، حمله به مدرسه فیضیه قم، واقعه ۱۵ خرداد، کاپیتولاسیون و تبعید امام در دهه ۴۰، از مهم‌ترین وقایعی بود که روحانیت را در مقابل حکومت قرار داد. این اقدامات به مقابله روحانیت با استبداد، وابستگی و دین‌ستیزی حکومت منجر شد و روحانیون را در حمایت از امام استوارتر نمود و موجب شد تا روحانیت، حکومت را به‌عنوان یک «دگر» محسوب و در مقابل آن، خود را تجهیز و نیروهای خویش را بسیج نمایند. (بروجردی، ۱۳۷۷: ۵۶)

بهره‌مندی روحانیون و عاملان سیاسی گفتمان اسلام‌گرا از شبکه گسترده‌ای از مساجد و حسینیه‌ها و سایر اماکن و مراکز اسلامی، آنها را قادر ساخت تا بتوانند با متن جامعه ایران تماس مستقیم برقرار کرده و به عمق این جامعه نفوذ کرده و موفق شوند تا عناصر این گفتمان را در اختیار مخاطبین خود قرار دهند؛ این در حالی بود که سایر گفتمان‌ها از چنین امکان گسترده‌ای برای توزیع مبانی گفتمانی خود محروم بودند. بدین ترتیب، روحانیون با توجه به شرایط و موقعیت اجتماعی و اقتصادی مستقل، توانستند با تبلیغ

گفتمان اسلام‌گرا و نشانه‌های آن در میان توده‌های مردم تحت رهبری امام خمینی علیه السلام، در هژمونیک شدن آن نقش مهمی را ایفا نمایند.

### سه. جریان‌های مذهبی

از مهم‌ترین عوامل سیاسی مؤثر در هژمونیک شدن گفتمان اسلام‌گرا، جریان‌های مذهبی - سیاسی حامی رهبری و نهضت امام خمینی علیه السلام بودند. هیئت‌های مولفه اسلامی، روحانیت مبارز، گروه‌های هفت‌گانه<sup>۱</sup> و بسیاری دیگر از گروه‌های کوچک‌تر پیش از انقلاب، با پخش اعلامیه‌ها و تکثیر نوارهای سخنرانی امام و توزیع آن در میان مردم و استفاده از ابزارهای غیر زبانی، از جمله اعتصابات و مبارزات مسلحانه، نقش مهمی را در گسترش گفتمان اسلام‌گرا و طرد دیگر گفتمان‌های رقیب بازی می‌نمودند. هیئت‌های مولفه با پیروزی انقلاب و به توصیه امام، به عضویت در حزب جمهوری اسلامی درآمدند و گروه‌های هفت‌گانه، که تا پیش از انقلاب به مبارزه مسلحانه علیه حکومت اعتقاد داشت، پس از انقلاب و با تأکید امام و آیت‌الله مطهری به سازمانی واحد به نام مجاهدین انقلاب اسلامی تبدیل و اعلام موجودیت نمود. (ظریفی‌نیا، ۱۳۷۷: ۶۰)

حزب جمهوری اسلامی، روحانیت مبارز، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، هیئت مؤتلفه اسلامی، مجاهدین انقلاب اسلامی و ... از جمله جریان‌های شاخص در انقلاب بودند که در زمینه در دسترس قرار دادن، اعتبار و دگرسازی گفتمان اسلام‌گرا نقش ویژه‌ای داشتند. امام ضمن ارتباط با شبکه گسترده‌ای از روحانیون و جریان‌های مذهبی - سیاسی، نظم گفتمانی خاصی به گفتمان اسلام‌گرا بخشید و بدین ترتیب در تمام کشور و در میان همه طبقات و اقشار و حتی در بیرون از مرزهای کشور، عوامل این گفتمان حاضر بودند و این در حالی بود که گفتمان‌های رقیب، از چنین سطحی از نفوذ اجتماعی برخوردار نبودند.

### ب) عملکرد رهبری در استعلا بخشیدن به گفتمان اسلام‌گرا

بازخوانی و تبیین نقش رهبران به‌عنوان سوژه‌های سیاسی در تحقق و شکل‌گیری گفتمان‌ها و هژمونیک کردن آنها، از منظر لاکلا و موف که در تأملات خود در بحث از رابطه کارگزار - ساختار سعی نموده‌اند نقش‌های کارگزاران اجتماعی را نیز مورد توجه قرار دهند، از جمله اهداف این پژوهش محسوب می‌شود. در واقع، رهبران هستند که اهداف جنبش، شیوه برخورد با حکومت و تصویر جامعه ایدئال را مشخص می‌کنند و بر این اساس، مهم‌ترین وظیفه رهبر، ایجاد یگانگی و سازماندهی است. (بشیریه، همان: ۸۸) از این‌رو برای نشان دادن نقش‌هایی که کارگزاران و سوژه‌های اجتماعی می‌توانند در تحولات گفتمانی ایفا نمایند، به توضیح نقش کارگزاران در هنگام بی‌قراری گفتمان‌ها پرداخته می‌شود. بر مبنای این دیدگاه، در هنگام بی‌قراری یک گفتمان، رهبران نقشی اساسی در معرفی گفتمان بدیل و جایگزین سازی آن به‌جای گفتمان

۱. امت واحده، توحیدی بدر، توحیدی صفا، توحیدی فلاح، منصورون، موحدین و فلق.

در حال افول ایفا می‌کنند و به‌ویژه استعلا بخشیدن به گفتمان بدیل، از مهم‌ترین کارکردهای رهبران انقلابی تلقی می‌شوند.

#### یک. برجسته‌سازی و به حاشیه‌رانی

همان‌گونه که در مباحث نظری ذکر شد، «فرایند دیگرسازی» منجر به ایجاد دو جبهه متمایز می‌گردد که عبارتند از: «ما» و «دیگری». براساس همین ذهنیت دوگانه، کلیه رفتارها و کردارهای سوژه به‌گونه‌ای شکل می‌گیرد که او تمام پدیده‌ها را در قالب دوگانه ما و آنها می‌ریزد و این دوگانگی به‌صورت برجسته‌سازی و حاشیه‌رانی در کردار و رفتار سوژه نمایان می‌شود و بنابراین، هویت‌یابی به واسطه دیگرسازی، و دیگرسازی به کمک برجسته‌سازی و حاشیه‌رانی شکل می‌گیرد. (سلطانی، ۱۳۸۴: ۱۱۲) مکانیسم برجسته‌سازی و حاشیه‌رانی راهکاری است که از یکسو باعث تضعیف گفتمان چیره و ازسوی دیگر به حفظ و استمرار قدرت منجر می‌گردد. در فرایند برجسته‌سازی و حاشیه‌رانی، گفتمان‌ها در تلاش‌اند تا نقاط قوت و برتر خود و نقاط ضعف گفتمان رقیب را برجسته سازند و ازسوی دیگر نقاط ضعف خود و نقاط قوت رقیب را به حاشیه برانند؛ که این نیز با دو ابزار زبانی و غیر زبانی که بیشتر توضیح داده شد، محقق می‌شود.

در اینجا با تکیه بر تحلیل متن و راهکارهایی مانند انتخاب واژگان و تحلیل بینامتنی، نحوه برجسته‌سازی و حاشیه‌رانی زبانی گفتمان اسلام‌گرا، که در گفتار و نوشتار امام خمینی علیه‌السلام متبلور است، تشریح خواهند گردید. فرایند برجسته‌سازی و حاشیه‌رانی گفتمان اسلام‌گرا شامل سه مرحله می‌شود: مرحله اول، حاشیه‌رانی گفتمان حاکم (پهلویسم) را شامل می‌شود، مرحله دوم، برجسته ساختن خود در میان رقیبان را دربرمی‌گیرد و سرانجام، مرحله سوم، به حاشیه‌رانی رقیبان از صحنه ارتباط پیدا می‌کند.

در اولین مرحله، گفتمان پهلوی به‌عنوان مهم‌ترین «دگر» درونی گفتمان اسلام‌گرا، مورد طرد و دگرسازی قرار گرفت. امام در همین راستا دالّ مرکزی گفتمان پهلوی، یعنی شاه را مورد حمله قرار داد. گفتمان پهلوی شاه را نماد انسجام ملی، شکوه و عظمت نژاد ایرانی و تمدن بزرگ ایرانی می‌دانست و مفصل‌بندی گفتمانی خود را در گرد این نشانه صورت می‌داد؛ اما امام در سخنرانی‌ها و اعلامیه‌های خویش، شاه و خاندان پهلوی را منشأ تمام مفاسد، جنایت‌ها و خیانت‌ها می‌دانست و آن را به‌عنوان یک «دگر» منفور برجسته می‌ساخت.

... از اول که شاه روی کار آمد و سلسله پهلوی به سلطنت رسید، قانونی نبوده است و برخلاف نص

قانون اساسی بوده است و تاکنون هم هرچه کرده‌اند، خیانت و جنایت بوده است. (همان: ۴۴۲)

شاه، استقلال سیاسی، نظامی، فرهنگی، اقتصادی ما را از بین برده است و ایران را در همه ابعاد وابسته به غرب و شرق کرده است. مردم ایران را زیر شکنجه و سیاه‌چاله‌های زندان کشته است.

از تمام علما و خطبا برای گفتن حقایق جلوگیری کرده است و تمام اینها موجب شده است تا

مردم ایران خواستار یک حکومت اسلامی باشند. (امام خمینی علیه‌السلام، ۱۳۸۷: ۲۰۱)



امام در این متون با حمله مستقیم به خاندان پهلوی و شاه و با برجسته کردن نشانه‌هایی مانند غیرقانونی بودن پهلوی، وابستگی به بیگانگان، جنایت، خیانت، ظلم و ستم، نبود استقلال و آزادی، مشروعیت این گفتمان را زیر سؤال برده و دالّ مرکزی آن را متزلزل ساخته و تنها راه رفع این گرفتاری‌ها را کنار رفتن حکومت پهلوی از قدرت و روی کار آمدن حکومت اسلامی که خواسته اصلی مردم است، می‌دانست. به‌سخن‌دیگر امام با استفاده از واژگانی که دارای بار منفی است، مانند نوکر، خیانت، جنایت، شکنجه، سیاهچال، کشتن و انتساب آن به شاه، چهره اسطوره‌ای را که گفتمان پهلوی برای شاه ایجاد کرده بود، از هم فرو می‌پاشید.

علاوه‌بر شخص شاه، برنامه‌ها و طرح‌های پهلوی نیز در فرایند برجسته‌سازی و حاشیه‌رانی مدّ نظر قرار گرفت. انجمن‌های ایالتی و ولایتی، انقلاب سفید و کاپیتولاسیون که از جمله برنامه‌های مدرنیزاسیون شاه بود، با اصولی مانند اعطای حق رأی به زنان، قسم خوردن به سایر کتب آسمانی، ایجاد سپاه دین و دانش و مصونیت قضایی مستشاران آمریکایی، زمینه را برای برجسته نمودن نکات منفی پهلوی و طرد آن از سوی امام فراهم نمود. امام طرح شدن انجمن‌های ایالتی و ولایتی را مقدمه‌ای برای تشدید برنامه‌های ضدّ اسلامی شاه می‌دانست.

اعطای مصونیت قضایی به مستشاران آمریکایی، مخالفت مراجع، روحانیون و به‌خصوص امام را در پی داشت. امام تصویب قانون کاپیتولاسیون را به‌منزله پایان استقلال و عزت ایران و ایرانی دانسته و با بکارگیری آیه استرجاع بر عمق این واقعه به‌عنوان یک فاجعه ملی تأکید نمود:

«آنا لله و آنا الیه راجعون ... به حسب این رأی ننگین، اگر یک مستشار آمریکایی یا یک خادم مستشار آمریکایی به یکی از مراجع تقلید ایران، به یکی از افراد محترم ملت، به یکی از صاحب منصبان عالی‌رتبه ایران، هر جسارتی بکند، هر خیانتی بنماید، پلیس حق بازداشت او را ندارد؛ محاکم ایران حق رسیدگی ندارند. ولی اگر به یک سگ آنها تعرضی بشود، پلیس باید دخالت کند؛ دادگاه باید رسیدگی نماید. (همان: ۴۱۰ - ۴۰۹)

در این متن، دالّ استقلال که یکی از نشانه‌های اصلی گفتمان انقلاب محسوب می‌شود، از سوی امام مورد تأکید قرار می‌گیرد؛ که به‌موجب اعطای مصونیت سیاسی به بیگانگان از سوی حکومت، این نشانه با خدشه مواجه شده و دو رکن اصلی استقلال، که همانا عزت و عظمت کشور و مردم است، در این میان پایمال شد. شاه که نماد استقلال کشور در گفتمان پهلوی برشمرده می‌شد، با حمایت از این قانون، نه‌تنها حافظ استقلال کشور نبود، بلکه عامل اصلی وابستگی کشور به بیگانگان و فروش استقلال کشور به حساب می‌آمد. از سوی دیگر، این متن مبتنی بر دو قطبی «ما» و «آنها» شکل گرفته است؛ «ما»ی مثبت که همراه با مردم، عظمت ایران، عزت ارتش و بیگانه‌ستیزی است و «آنها»ی منفی، که همراه با عدم عزت،

عظمت، استقلال و بیگانه‌پرستی است. به عبارت دیگر، این قطبیتی که در متن بین «ما» و «آنها» مشاهده می‌شود، حاصل دگرسازی امام است که در پی ترسیم مرزهای سیاسی خود با دیگری است و در گفتار امام نمود پیدا کرده است.

ویژگی منحصر به فرد این متن، بیان موضوعی حقوقی - قضایی که دارای ماهیتی فنی است به زبانی ساده می‌باشد. در جامعه‌ای که اکثریت افراد آن فاقد سواد هستند و از معلومات سیاسی - اجتماعی آکادمیک برخوردار نیستند، بیان مسائل سیاسی، اقتصادی، اجتماعی روز، با گفتار ساده و روان که فهم آن برای عامه مردم امکان‌پذیر باشد، امتیاز ویژه‌ای محسوب می‌شود و هر گفتمانی که از این امتیاز برخوردار باشد، از توان بیشتری در بسیج توده‌ها و در نهایت هژمونیک شدن برخوردار می‌گردد. تبیین و تفسیر قانون کاپیتولاسیون توسط امام به زبان ساده، یک نمونه کامل و جامع از بهره‌گیری گفتمان اسلام‌گرا از این امتیاز است.

چپ‌ها نیز از حاشیه‌رانی گفتمان اسلام‌گرا در امان نماندند. یکی از عواملی که به حاشیه‌رانی چپ‌ها کمک نمود، مصادره شعارهای آنها توسط گفتمان اسلام‌گرا بود. مبارزه با امپریالیسم، حمایت از زحمتکشان و ضدیت با سرمایه‌داری که از مهم‌ترین شعارهای گفتمان چپ محسوب می‌شد، در قالب مبارزه با استکبار، حمایت از مستضعفان و ضدیت با اشرافیگری در مفصل‌بندی گفتمان اسلام‌گرا به کار گرفته شد. حمایت از مستضعفان و مقابله با مستکبران در اندیشه امام تنها معطوف به ایران نبوده، بلکه کل جهان را در برمی‌گرفت.

من امیدوارم که یک حزب به اسم «حزب مستضعفین» در تمام دنیا به وجود بیاید و همه مستضعفین با هم در این حزب شرکت کنند و مشکلاتی که سر راه مستضعفین است، از میان بردارند و قیام در مقابل مستکبرین و چپ‌اولگران شرق و غرب کنند و دیگر اجازه ندهند که مستکبرین بر مستضعفین عالم ظلم کنند. (همان: ۲۸۰ / ۹)

اگر گروه‌های چپ تا پیش از این، نماد مبارزه با امپریالیسم و حمایت از محرومان بودند، از این پس گفتمان اسلام‌گرا به نماد مبارزه با استکبار و حمایت از مستضعفان و محرومان جهان تبدیل شد. فضای ضد استکباری به خصوص ضد آمریکایی که چپ‌ها در رادیکال شدن آن نقش مهمی ایفا نمودند، در نهایت به حاشیه رانده شد.

امام خمینی علیه السلام با بهره‌گیری از فرایند برجسته‌سازی و حاشیه‌رانی، ابتدا هژمونی گفتمان پهلوی را متزلزل و سپس با مفصل‌بندی مفاهیم دوگانه سنت و مدرنیته و گرد آوردن گروه‌های رقیب زیر یک چتر آن را از هم فروپاشید و در پایان نیز با تثبیت خویش، گروه‌های مخالف را نیز با این مکانیسم طرد نمود. تظاهرات، تحریم‌ها و اعتصابات نیز از جمله ابزارهای غیر زبانی بود که امام به‌عنوان مکمل ابزارهای زبانی در مبارزه سود می‌جست. اینکه چه ویژگی‌هایی به جز فرهمندی در شخصیت امام وجود داشت که باعث شد تا توده‌های مردم جذب او و گفتمان اسلام‌گرا شوند را باید در گفتار صادقانه، شفاف و عامه فهم بودن امام جست. در واقع،

یکی دیگر از ویژگی‌های گفتار امام، شفافیت و پرهیز از ابهام‌گویی بود. امام در سخنرانی‌های خود معمولاً با زبانی ساده و روشن و همراه با تمثیل، مطالب خویش را بیان می‌کرد. گفتار سیاسی امام از پایگاه نظری اسلام و مذهب شیعه به تحلیل مسائل ایران می‌پرداخت و این مأنوس‌ترین گفتار موجود در نزد مردم بود. (قیصری، ۱۳۸۵: ۱۷۵)

شفافیت و دوری از ابهام‌گویی در گفتار امام به درک عموم مردم جامعه منجر می‌شد؛ به عبارت دیگر امام در هر مکان و زمان، از همان ادبیات مکان و زبان استفاده می‌کرد. امام در حوزه عرفان آنگونه می‌نوشت که درک آن حتی برای افراد آشنا به عرفان نیز به آسانی قابل فهم نبود، اما همین ادبیات، زمانی که مخاطبش عامه مردم بود، طوری بیان می‌شد که هر فردی با توجه به سطح دانش و آگاهی خود با آن ارتباط برقرار می‌کرد. نکته ظریف گفتار امام این بود که میان این نوع نظام معرفتی با مسائل سیاسی و روز جامعه ارتباط ایجاد می‌کرد. (همان: ۱۷۳)

امام در گفتار خویش از اصل قیاس نیز بهره می‌گرفت، بر همین اصل وی برای آشکار ساختن ماهیت حکومت پهلوی به قیاس آن با حکومت بنی‌امیه که در نزد شیعه مظهر ظلم و ستم بود و همچنین با قیاس شخص شاه با یزید که مظهر فسق و فساد بود استفاده می‌کرد و از سوی دیگر با بهره‌گیری از واقعه کربلا و عاشورا و متأثر دانستن نهضت اسلامی از آن، سعی در برجسته‌سازی گفتمان اسلام‌گرا و حاشیه‌رانی پهلوی داشت.

در مقابل، دو گفتمان چپ و لیبرال دارای گفتاری پیچیده و مبهم بودند که درک و فهم آن برای عموم مردم دشوار می‌نمود. گفتار سیاسی امام در پیوند با ساختار ذهنی جامعه ایران بود، اما گفتمان چپ با ایدئولوژی مارکسیستی و گفتمان ملی - لیبرال با ایدئولوژی لیبرال دموکراسی، کمترین نزدیکی را با فرهنگ جامعه ایران دارا بود؛ به همین دلیل همواره مباحث این دو گفتمان سیاسی از حلقه‌های خاص روشنفکری و دانشگاهی با هواداران حزبی محدود فراتر نمی‌رفت.

بدین ترتیب، برجسته‌سازی و به حاشیه‌رانی گفتمان‌های رقیب، همان‌گونه که در تئوری گفتمان لاکلا و موف، تحت عنوان مفهوم غیریت‌سازی مطرح شده است، به‌خوبی توسط امام در جهت استعلای گفتمان اسلام‌گرا بکار گرفته شد. غیریت‌سازی، فرآیندی است که به‌واسطه آن گفتمان‌ها اقدام به تولید «غیر»، «دیگر» یا «دشمن» برای خود می‌کنند، زیرا وجود «غیر» باعث شکل‌گیری هویت و معنا می‌شود و برای رسیدن به قدرت‌گریزی از آن نیست. غیریت‌سازی از دو جهت برای نظریه گفتمان اهمیت دارد:

اولاً رابطه‌ای غیریت‌سازانه را که همواره شامل تولید «دشمن» یا «دیگر» است و برای تأسیس مرزهای سیاسی ضروری می‌باشد، ایجاد می‌سازد.

ثانیاً، تشکیل روابط غیریت‌سازانه و تثبیت مرزهای سیاسی، هویت‌تشکل‌های گفتمانی و عاملان اجتماعی را تحکیم می‌کند.

بنابراین، برای مطرح شدن گفتمان‌ها، غیریت‌سازی ضرورت دارد تا در شرایط برخورد گفتمانی، نظرها جلب شود و مردم به معانی جدید توجه کرده و زمینه پیدایش اجماع و هژمونی فراهم آید. از این جهت هر گفتمانی، به گفتمان غیر یا دشمن نیازمند است تا با قطبی کردن جامعه، ابتکار عمل را در دست بگیرد. هر گفتمان، فقط با داشتن دشمن و برانگیختن شدید دشمنی با گفتمان دیگر، می‌تواند هویت خویش را برجسته و مشخص کرده و دگرهای بیرونی را طرد نموده و به حاشیه براند.

#### دو. دسترسی

«دسترسی» به معنای در دسترس بودن یک گفتمان در جامعه و امکان دست‌یابی مردم به آن به‌عنوان جایگزین گفتمان موجود است. زمانی که گفتمان حاکم با بحران مواجه گردد، آن گفتمانی که دارای قابلیت دسترسی باشد، از امکان ویژه‌ای برای جانشینی گفتمان حاکم برخوردار است. اما این در شرایطی صورت می‌گیرد که گفتمان رقیب دیگری به شکل هژمونیک در عرصه رقابت حضور نداشته باشد. در دسترس بودن یک گفتمان، نیازمند یکسری ابزارها مانند وجود رهبری، شبکه تولید و توزیع است تا از این راه امکان هژمونیک شدن گفتمان فراهم گردد.

گفتمان‌هایی که در دسترس قرار می‌گیرند، یا جزو گفتمان‌های سرکوب شده پیشین هستند یا گفتمان‌های جدیدی هستند که خارج از عرصه سیاسی پیشین آن جامعه وارد آن شده و توانسته‌اند خود را در دسترس بازیگران و کنش‌گران سیاسی جامعه قرار دهند.

در دسترس بودن دال‌های شناوری<sup>۱</sup> که توسط گفتمان‌های موجود تثبیت نشده‌اند، می‌تواند زمینه‌ساز استعلائی گفتمانی باشد که بتواند آنها را جذب و برجسته سازد. ویژگی در دسترس بودن با نیازی که به گفتمان‌های شناور وجود دارد، تعریف می‌شود. لاکلا از مفهوم «قابلیت دسترسی» استفاده می‌کند تا تبیین کند که چگونه در طول بحران‌ها، بعضی گفتمان‌ها به نسبت دیگران با استقبال و موفقیت بیشتری روبه‌رو می‌شوند. به اعتقاد او، اگر بحران اجتماعی به اندازه کافی شدید باشد، به طوری که سراسر نظم گفتمانی را متزلزل سازد، تنها قابلیت دسترسی کافی است تا پیروزی گفتمان خاصی را تضمین کند. (Laclau, 1985: 65)

گفتمان پهلوی به‌عنوان گفتمان مسلط، و سه گفتمان چپ، ملی - لیبرال و اسلام‌گرا به‌عنوان رقیبان آن در منازعات سیاسی، با یکدیگر در تقابلی اساسی بودند. پیدایی بحران در گفتمان پهلوی، فرصت را به رقیب داد تا امکان دسترسی خود را به آزمون گذارند، که در این بین گفتمان اسلام‌گرا توانست به موفقیتی اساسی دست یابد.

دسترسی روحانیون درون کشور به اسلام سیاسی باعث شد تا روحانیون با داشتن شبکه‌ای متشکل از حدود ۸۰ هزار مسجد و ۱۸۰ هزار روحانی، چنان رشد سریعی داشته باشند که سازمان‌های مخفی و علنی

1. Floating Signifiers.

موجود رقیب هم نتوانستند همسو با آن حرکت کنند. (امجد، ۱۳۸۰: ۸۳) در واقع گفتمان اسلام‌گرا با رهبری امام و داشتن شبکه‌ای وسیع از روحانیون و اماکن مذهبی و مراسم دینی از جمله اعیاد و مناسبت‌ها، به‌خصوص تاسوعا و عاشورا که شبکه تولید و توزیع این گفتمان را شکل می‌داد، مبانی خود را در دسترس تمام اقشار و طبقات به‌خصوص اقشار حاشیه‌نشین قرار دهد.

گفتمان‌های چپ و لیبرال به دلیل شرایط امنیتی ایجاد شده از سوی حکومت، از انجام فعالیت‌های علنی محروم بودند و به همین خاطر در ادامه مبارزه خود دو رویکرد متفاوت را دنبال می‌کردند. یک‌سری از این گروه‌ها، استفاده از ابزار غیر زبانی را تنها راه ادامه مبارزه می‌دانستند و لذا به مشی مسلحانه روی آوردند تا این‌گونه خود را در دسترس مردم قرار دهند. اما گروه‌های باقیمانده دیگر، استفاده از ابزار زبانی را به‌طور محدود و در قالب انتشار کتاب و اعلامیه ادامه دادند.

استفاده از نوشتار، به دلیل میزان برد کم آن و پیچیده و فنی بودن متن که درک آن را برای عامه مردم دشوار می‌ساخت، از کارایی لازم برخوردار نبود و این گفتمان‌ها تنها در میان افرادی محدود و مکان‌هایی خاص قابل ارائه و در دسترس بودند. گفتمان اسلام‌گرا علاوه بر استفاده از نوشتار با متنی روان و ساده، از گفتار نیز در قالب تکثیر و پخش سخنرانی‌های امام بهره می‌گرفت. این گفتمان علاوه بر بهره‌گیری از امکانات و ابزارهای خویش برای در دسترس قرار گرفتن، با نفی از جانب گفتمان پهلوی و سایر گفتمان‌ها نیز در دسترس مردم قرار می‌گرفت.

#### سه. اعتباربخشی و عام‌گرایی

پذیرش و تفوق یک گفتمان شرط دیگری نیز دارد و آن قابلیت اعتبار است. در یک جامعه گفتمان‌های مختلفی معمولاً حضور دارند و در نتیجه، صرف حضور یک گفتمان برای برتری آن کافی نیست. از این‌روست که می‌بایست برای توضیح چگونگی و علت تفوق یک گفتمان، شرط قابلیت اعتبار را نیز افزود؛ یعنی عناصر پیشنهادی یک گفتمان نباید با اصول اساسی گروه اجتماعی مخاطب آن، ناسازگار باشند.

با این تفاسیر، گفتمان اسلام‌گرا به لحاظ آمیختگی با تاریخ، ارزش‌ها و باورهای ذهنی آحاد جامعه، انطباق و سازواری بیشتری با نظام ارزشی جامعه ایران داشت. در واقع، با نگاهی به بنیان‌های فکری سایر گفتمان‌های رقیب در عرصه انقلاب، می‌توان به این نتیجه رسید که همگی در نظام دانایی غیر بومی ریشه داشته و کمترین انطباق را با نظام ارزشی ملت مسلمان ایران نداشته و به همین علت نتوانستند در عرصه کشاکش و تعامل با سایر گفتمان‌ها، عمق و گستره قابل توجهی در جامعه کسب کنند. (خوشروزاده، ۱۳۸۶: ۱۳) گفتمان‌های تجددخواه در مفصل‌بندی گفتمانی خویش با استفاده از برخی عناصر و نشانه‌ها که هیچ‌گونه مقبولیت و جایگاهی در بطن جامعه نداشت، باعث تقلیل دامنه اعتبار خود نزد جامعه شدند. گفتمان پهلوی نیز با پیروی از سیاست‌های غرب‌گرایانه و باستان‌گرایانه افراطی و ضد دینی، اعتبار خویش را در جامعه مخدوش می‌ساخت.

گفتمان اسلام‌گرا برخلاف گفتمان‌های رقیب خود، از عناصر و مؤلفه‌هایی بهره می‌گرفت که در باور، تاریخ و فرهنگ جامعه ایران ریشه داشت و همین امر سبب دستیابی به جایگاهی برتر برای این گفتمان در جریان انقلاب شد. امام بیش از هر اندیشمند شیعی، واقعه کربلا را با ضرورت‌های سیاسی جامعه پیوند زد و از سنت‌های دینی برای مبارزه سیاسی سود جست و بدین ترتیب اعتبار گفتمان اسلام‌گرا را تضمین کرد. (حسینی‌زاده، ۱۳۸۶: ۲۶۸)

علاوه بر حمایت از اهداف سیاسی گفتمان اسلام‌گرا، مردم از رهبری امام خمینی علیه السلام برای سرنگونی حکومت پهلوی حمایت می‌کردند که نشان از اعتبار رهبر گفتمان اسلام‌گرا نزد مردم بود. بدین ترتیب گفتمان اسلام‌گرا به دلیل هماهنگی با خواست مردم، علاوه بر در دسترس بودن دارای اعتبار نیز بود. (قجری، ۱۳۸۸: ۱۲۳)

در دوران بی‌قراری، گفتمان‌ها با طرح اسطوره خود، به دنبال سامان‌دهی شرایط نابسامان موجود هستند. اما برای این سامان‌دهی، گفتمان‌ها نیاز دارند تا اسطوره خود را، که منافع گروه محدودی را سامان می‌دهد، به پندار اجتماعی تبدیل کنند و این امر تنها با یک روند عام‌گرایی محقق می‌شود. در فرایند عام‌گرایی، گفتمان‌ها خصلت استعاری به خود می‌گیرند و در این حالت خود را نماینده تمام آمال و منافع مردم دانسته و سعی بر آن دارند تا رفتار آنها را همسو با منافع خویش سازمان دهند.

قابلیت دسترسی و اعتبار، دو ابزار لازم برای عام‌گرایی است و گفتمان اسلام‌گرا با برخورداری از این ابزار، توانست اسطوره خود را به پندار اجتماعی تبدیل کند. تاریخ معاصر ایران از مشروطه به بعد، شاهد منازعه سنت با مدرنیته در قالب جریان‌های تجدیدخواه و سنت‌گرا با هم بوده است.

در انقلاب اسلامی نیز دو گفتمان چپ و لیبرال، هرچند دارای تفاوت‌هایی اساسی بودند، اما در اصل تجدیدخواهی با هم مشترک بودند و همین اشتراک، آنها را مقابل گفتمان اسلام‌گرا قرار می‌داد. از مشروطه به این سو، همواره تضادهای موجود میان اصول مدرنیته و سنت، از ایجاد اجماع بر سر یکسری اصول جامع و کامل برای تشکیل یک حکومت مردمی جلوگیری می‌کرد. گفتمان اسلام‌گرا به رهبری امام خمینی علیه السلام در جریان انقلاب اسلامی توانست این زنجیره را گسسته و سنت و مدرنیته را به زیر یک چتر درآورد؛ که دو عامل آرمانی بودن فضای استعاری و حضور شخصیت فرهمند امام علیه السلام، مهم‌ترین این دلایل بودند. (سلطانی، ۱۳۸۳: ۱۴۰)

#### چهار. مفصل‌بندی

مفهوم مفصل‌بندی نقش مهمی در نظریه گفتمان لاکلا و موف دارد. دال‌ها و نشانه‌های جذب شده در یک گفتمان، یک مفصل‌بندی را تشکیل می‌دهند. عناصر متفاوتی که جدا از هم شاید بی‌مفهوم باشند، وقتی در کنار هم در قالب یک گفتمان گرد می‌آیند، هویت نوینی را کسب می‌کنند. لاکلا و موف برای ربط دادن و جوش دادن این عناصر به همدیگر، از مفهوم مفصل‌بندی استفاده می‌کنند. به عبارت دیگر، مفصل‌بندی به گردآوری عناصر مختلف و ترکیب آنها در هویتی نو، مربوط می‌شود. آنها هر عملی را که منجر به برقراری

رابطه‌ای بین عناصر شود، به نحوی که هویت این عناصر در نتیجه عمل مفصل‌بندی تعدیل و تعریف شود، مفصل‌بندی می‌نامند.

امام با مفصل‌بندی نشانه‌هایی مانند آزادی، قانون، مردم، ولایت، روحانیت و فقه در کنار هم، نقش بسزایی را در ایجاد فضای استعاری انقلاب اسلامی ایفا نمود. امام در سخنان و نوشته‌های خویش با نقد گفتمان پهلوی و تأکید بر نکات منفی آن، به بازنمایی جامعه ایدئال و آرمانی خویش می‌پردازد و این امر، به پیشسازی گفتمان اسلام‌گرا نسبت به سایر گفتمان‌های رقیب در ایجاد پندار اجتماعی، کمک شایانی نمود. امام حکومت پهلوی را به دلیل ایجاد فضای اختناق، حمایت از اسرائیل، تباهی نسل جوان، ترویج فساد و گسترش مراکز فساد، مخالفت با قانون اساسی، نابودی آزادی، اصلاحات ارضی، نابسامانی اقتصادی، حاکمیت مستشاران آمریکایی، غارت بیت‌المال و ترویج خودباختگی، (امام خمینی، ۱۳۸۷: ۲۰۸ - ۱۹۹) طرد می‌نماید. پس از نقد حکومت و جدا نمودن نشانه‌های بکار رفته در گفتمان آن، به تولید معنا از نشانه‌های گفتمانی خویش می‌پردازد.

امام در بیان ویژگی‌های گفتمان اسلام‌گرا، به نشانه‌های سیاسی مانند آزادی و رفاه، (امام خمینی، *نرم‌افزار صحیفه امام*، ۷ / ۴۰۰) حقوق بشر، (همان: ۴ / ۴۰۲) حقوق زنان و اقلیت‌های دینی، (همان: ۵ / ۳۲۸) رجوع به آرای عمومی، (همان: ۵ / ۳۲۲) رفع مشکلات محرومان و مستضعفان، (همان: ۷ / ۲۶) نفی هرگونه دیکتاتوری (همان: ۱۱ / ۲۲) در آن اشاره دارد. در حوزه اقتصادی گفتمان پیشنهادی، از نشانه‌هایی مانند خودکفایی، (همان: ۱۱ / ۴۱۳) رشد اقتصادی و گسترش صنایع بنیادین و درآمدهای نفتی برای زدودن فقر و نابرابری مردم، (همان: ۵ / ۳۶۳) ساخت ایران به دست ایرانی (همان: ۳ / ۴۹۵) و عدالت اجتماعی (همان: ۹ / ۱۹) سخن می‌گوید.

ویژگی‌های موجود در مفصل‌بندی گفتمان اسلام‌گرا، به گرایش گفتمان‌های رقیب به آن و ایجاد زنجیره هم‌ارزی منجر گردید که از یکسو، حکومت از امکان تضعیف شدن این گفتمان‌ها در رقابت با هم ناامید شد و از سوی دیگر پایگاه اجتماعی خویش را هم را از دست رفته می‌دید.

گفتمان اسلام‌گرا با احیا و بازتعریف نشانه‌های سیاسی اسلام، توانست جنبه انقلابی و دادخواهی آن را برجسته سازند. مفاهیمی مانند انتظار، شهادت، رستگاری، امامت، عدل، جهاد و... به گونه‌ای بازتعریف شدند که دیگر به معنای امید به برقراری حاکمیت عدل در آینده و رستگاری انسان‌ها با دخالت الهی نیست، بلکه آمادگی روحی و عملی و اعتقادی برای اصلاح، انقلاب و تغییر وضع جهان است. (نظری و سازمند، ۱۳۸۷: ۱۲۳ - ۱۲۲)

درنهایت باید گفت که گفتمان اسلام‌گرا با قدرت عناصر درونی خود و از طریق رهبری امام خمینی علیه السلام توانست در مرحله عام‌گرایی، اسطوره خویش را به پندار اجتماعی تبدیل کرده و با بازنمایی نکات منفی گفتمان مسلط، عناصر اساسی خود را مفصل‌بندی نموده و در دسترس عموم مردم جامعه ایران قرار دهد.

## نتیجه

تحلیل گفتمان به‌عنوان رویکردی میان‌رشته‌ای و سرچشمه گرفته از زبان‌شناسی، در چند دهه اخیر توانسته تأثیراتی جدی را در حوزه علوم انسانی از خود برجای نهد و فرصتی جدید در تحلیل مسائل این حوزه ابداع نماید. در بین نظریات مختلف گفتمان، خوانش لاکلا و موف از تحلیل گفتمان، در عرصه سیاست و جامعه‌شناسی سیاسی بسیار غنی و کارآمد است و امکان واکاوی رویدادهای سیاسی را بر همین مبنا در اختیار مخاطب قرار می‌دهد.

گفتمان اسلام‌گرا با پایبندی به رهبری امام خمینی علیه السلام و توانایی در برجسته‌سازی و حاشیه‌رانی و در دسترس بودن و دارا بودن اعتبار نزد مردم و ایجاد فضای استعاره‌ی توانست به گفتمان هژمون در جریان انقلاب اسلامی تبدیل شود. روحانیون و جریان‌های سیاسی - مذهبی به‌عنوان دیگر عاملان سیاسی گفتمان اسلام‌گرا، در روند برجسته‌سازی عناصر این گفتمان و در دسترس قرار دادن آن و ایجاد اعتبار و عمومی‌سازی آن نقشی اساسی ایفا نمودند و از آنجایی که در میان توده‌های مردم زندگی می‌کردند، هم آشنا به نیازها و خواسته‌های آنها بودند و هم زبان آنان را می‌فهمیدند و از سوی دیگر در میان مردم از جایگاه ویژه‌ای برخوردار بودند و به همین دلیل مردم در کوران مبارزات انقلابی، از رهبری امام و گفتمان اسلام‌گرایی وی حمایت می‌کردند.

گفتمان اسلام‌گرا با مفصل‌بندی برخی نشانه‌های مدرن و سنتی و تعلق کامل نداشتن به هیچ‌یک از آنها، کوشید تا نگرشی جدید را به نمایش گذارد و ضمن طرد و به حاشیه‌رانی گفتمان‌های رقیب، به استعلا دست یابد و در این میان، امام خمینی علیه السلام نقشی محوری در تحقق استعلا گفتمان اسلام‌گرا ایفا نمود و توانست بر پایه نظریه گفتمان لاکلا و موف، با ایجاد مفصل‌بندی متناسب با جامعه ایران و پذیرش آن از سوی جامعه، زمینه‌های تحقق هژمونی این گفتمان را فراهم سازد.

## منابع و مأخذ

۱. ازغندی، علیرضا، ۱۳۸۵، *نخبگان سیاسی ایران بین دو انقلاب*، تهران، قومس.
۲. امام خمینی، روح‌الله، ۱۳۸۷، *آیین انقلاب اسلامی (برگزیده اندیشه امام)*، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام.
۳. \_\_\_\_\_، *صحیفه امام (نرم‌افزار)*، به مناسبت هجدهمین سال ارتحال امام، مؤسسه تنظیم نشر آثار امام، مرکز تحقیقات اسلامی، نسخه ۳.
۴. امجد، محمد، ۱۳۸۰، *ایران از دیکتاتوری سلطنتی تا دین‌سالاری*، ترجمه حسین مفتخری، تهران، مرکز بازشناسی اسلام و ایران (باز).
۵. بروجردی، مهرزاد، ۱۳۷۷، *روشنفکران ایران و غرب*، ترجمه جمشید شیرازی، تهران، نشر فرزاد روز.



۶. بشیریه، حسین، ۱۳۸۷، *انقلاب و بسیج سیاسی*، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
۷. حسینی‌زاده، محمدعلی، ۱۳۸۶، *اسلام سیاسی در ایران*، قم، انتشارات دانشگاه مفید.
۸. خوشروزاده، جعفر، «میشل فوکو و انقلاب اسلامی؛ رهیافتی پسامدرنیستی از منظر تحلیل گفتمان»، *پژوهشنامه متین*، شماره ۳۱ و ۳۲، ۱۳۸۶.
۹. زیباکلام، صادق، ۱۳۸۸، *مقدمه‌ای بر انقلاب اسلامی*، تهران، نشر روزنه.
۱۰. سلطانی، علی‌اصغر، ۱۳۸۳، «تحلیل گفتمان به‌مثابه نظریه و روش»، *مجله علوم سیاسی*، سال هفتم، شماره ۲۸، زمستان ۸۳.
۱۱. \_\_\_\_\_، ۱۳۸۴، *قدرت، گفتمان و زبان*، تهران، نشر نی.
۱۲. ظریفی‌نیا، حمیدرضا، ۱۳۷۷، *کالبدشکافی جناح‌های سیاسی ایران*، تهران، آزادی اندیشه.
۱۳. فوزی، یحیی، ۱۳۸۰، *مذهب و مدرنیزاسیون در ایران*، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
۱۴. قجری، حسینعلی، ۱۳۸۸، «تحلیلی بر گفتمان سیاسی امام خمینی علیه السلام در انقلاب اسلامی»، *پژوهشنامه متین*، شماره ۴۵.
۱۵. قیصری، نورالله، ۱۳۸۵، «گفتمان حضرت امام خمینی علیه السلام و گفتمان‌های رقیب»، *پژوهشنامه متین*، سال ۸، شماره ۴۵، بهار ۸۵.
۱۶. میرموسوی، علی، ۱۳۸۴، *اسلام، سنت، دولت مدرن، نوسازی و تحول در اندیشه معاصر شیعه*، تهران، نشر نی.
۱۷. نظری، علی اشرف و بهاره سازمند، ۱۳۸۷، *گفتمان هویت و انقلاب اسلامی ایران*، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی.

18. Laclau, E. and Mouffe, C., 1985, *Hegemony and Socialist Strategy: Towards a Radical Discourse Politics*, Verso, London.

